

باز هم خانه تکانی کنیم!

سازمان ما همچون عموم احزاب و سازمان‌های چپ داخلی و بین‌المللی، به الزاماتی در ساختار حزبی باور داشت که نتایج عملی آن، سلطه فرهنگ استبدادی و بروکراتیک بر ساختار سازمان و سایر اقدامات متشکل انقلابی بود. بدور از هر نوع توجه‌گری باید اذعان کرد که این بینش و مقررات ناشی از آن هر چند غیردموکراتیک بود، اما به مثابه یک نرم و یک فرهنگ جا افتاده در میان احزاب چپ وجود داشت، اعتقاد به آن به معنای حرکت در مسیر عمومی و رایج احزاب چپ بود.

ما از همان آغاز شکل‌گیری سازمان راه کارگر، متأثر از این بینش غیردموکراتیک، بر سیاست‌ها و مقرراتی توافق کردیم که اقدامات عملی ناشی از آن بعضاً سرکوب‌گرایانه و استبدادی بود. به زبانی دیگر نیروهای سازمان ما در پرتو چنین نگاهی به تشکیلات، جز بر مدار تفسیر رسمی، عملاً حق اظهار نظر نداشتند، و اگر هم در مواردی شرایط تحقق این حق فراهم می‌شد، امکان انعکاس آن در بیرون تقریباً امری شبیه به محال بود. در چنین وضعیتی، دگراندیشان و اقلیت‌های گوناگون یا اخراج می‌شدند و یا راهی جز کناره‌گیری در مقابل خود نمی‌یافتند!

امروزه بر همه آشکار است که وجود مقتدرانه‌ی چنین بینشی که سرکوب‌نظری جزئی اجتناب‌ناپذیر از آن بود، موجب بروز خطاهایی جبران‌ناپذیر در جنبش جهانی چپ سوسیالیست گردید که زخمهای عمیق آن تا به امروز و تا همیشه بر پیکر احزاب و سازمانهای کمونیستی باقی خواهد ماند.

در سازمان ما هم وجود این بینش و اقدامات ناشی از آن، عواقب تلخی در پی داشته است که اخراج‌های حزبی را باید نمود بارز آن دانست. هر چند کار با اخراجها پایان نمی‌گرفت! زیرا فشارهای ناشی از این فضای مسموم و غیر قابل تنفس به نوبه‌ی خود عاملی بود تا بسیاری از کادرها و اعضای انقلابی، کناره‌گیری از سازمان را ترجیح دهند. چرا که راه دیگری در مقابلشان قرار نداشت.

نقطه‌ی اوج این اقدامات و فضای تیره ناشی از آن را در سازمان ما باید در جریان بحران سال ۱۳۶۷ پی گرفت. در این مقطع، اخراجها و کناره‌گیری‌های اعتراضی و بعضاً نامیدانه، تشکیلات ما را به راستی دوشقه کرده بود! در آن بحران، هم سازمان به شدت آسیب دید و کوچک شد و هم انرژی انقلابی بسیاری از رفقای اخراجی و جدا شده عملاً سوزانده و ناکارا شد. بی‌کمان نتایج این بحران به سهم خود تاثیری منفی بر اعتبار جنبش چپ سراسری ایران گذاشته است و آن را در مقابل دشمنان سوسیالیسم و آزادی ضعیف‌تر کرده است.

با این همه هرگز نباید فراموش کرد که سازمان ما در نشست کنگره اول خود صمیمانه تلاش کرد تا متناسب با درک آن روز خود از دموکراسی درون تشکیلاتی، به نقد این رویدادها و عملکردها بنشیند و مصوبه‌ای را هم تصویب کرد که همگان از آن باخبرند.

امروزه اما سازمان ما، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) نه تنها با درک استبدادی و بروکراتیک دیروزی خود فاصله گرفته است که از دستاوردهای کنگره اول هم بسیار جلوتر رفته است. با صمیمیت و مسئولیت می‌توان ادعا کرد که دموکراسی درون حزبی در سازمان ما با یک حداکثر قابل قبول و در ابعادی همه‌جانبه نهادی شده است، و این امر نه تنها در نظر، که در عمل عموماً جاریست و حراست از این دستاوردها و نظارت بر اجرای درست آن را نه تنها رهبری، که تک تک اعضا و فعالین سازمان به عهده همت خود دارند.

— برابری کامل حقوق زنان و مردان در مدیریت سازمان

— ایجاد نهاد مستقل نظارت بر کارکرد رهبری و بررسی شکایات که اعضای آن را کنگره انتخاب می‌کند و تنها به کنگره پاسخگوست.

— حقوق تعریف شده اقلیت برای بیان و انعکاس نظراتش حتی اگر این اقلیت تنها یک تن باشد.

– تأمین حق قانونی گرایشات نظری از طریق ایجاد فراکسیون‌ها و وجود بقیه ابزار و امکانات و مقررات برای انعکاس و پیش‌برد اظهار نظر و تبلیغ و ترویج نظرات دگراندیشان سازمان در داخل و خارج، در بیرون و درون سازمان در چهارچوب مبانی توافق شده.

– قانونیت داشتن حق مخالفت با سیاست‌های رسمی، تاکتیک‌های سیاسی و عمومی سازمان و دادن فرصت مساوی برای جهت‌گیریهای نظری تک‌تک اعضای سازمان.

– وجود آئین‌نامه‌ها، قرارهای گنکره‌ای و سایر مجامع صلاحیت‌دار، نظارت مستمر همگانی، نفی کیش شخصیت و بسیاری از دست‌آورد‌های دموکراتیک دیگر، بازگشت به بینش گذشته را تقریباً ناممکن کرده است. این دست‌آورد‌های افتخار آفرین، ما را در شرایط جدیدی قرار داده است که پذیرش خطاهای گذشته و نقد همه‌جانبه و جسورانه‌ی آن اولین گام مسئولانه‌ی آن است.

نقد بینش استبدادی و بروکراتیک و به ویژه عملکردهای ناشی از آن در میان کمونیست‌ها فرصت تحریف تاریخ چپ را از دست دشمنان یا واماندگان سلب می‌کند. نقد بی‌پروا و مسئولانه از گذشته‌ی ما، سازمان ما را که از شاخص‌ترین تشکلهای چپ کارگری و سوسیالیستی است، بیش از این که هستیم تقویت می‌کند و سربلند می‌سازد. این کار در همان حال که همبستگی درونی ما را تشدید می‌کند، به عنوان انتقال یک تجربه، مهر خود را در تاریخ چپ، با پی‌ریزی یک سنت مثبت بجای می‌گذارد.

امروزه ما موظفیم در مورد آنچه بر ما گذشته است به روشنی سخن بگوئیم و تجربه‌های مثبت و منفی خود را در معرض قضاوت فردائیان بگذاریم. ما باید در مورد اعمال خطاهای بینشی و عملکرد خود اعلام موضع کنیم و با جسارت گامی به پیش در جنبش چپ برداریم.

در چهارچوب چنین پرنسیپی؛ گنگره سازمان موارد زیر را تصویب می‌کند و اجرای آن را از مدیریت منتخب خود خواستار می‌شود.

۱- گنگره با انتقاد قاطع و همه‌جانبه از عملکردهای ضد دموکراتیک و فوق‌سانترالیستی که در گذشته به فرهنگ حاکم سازمان تبدیل شده بود و اساساً از طریق رهبری‌های وقت پیش می‌رفت، اعلام می‌کند که بطور همه‌جانبه از آن بینش فاصله گرفته است.

۲- گنگره از ستمی که به رفقای اخراجی و آن دسته از رفقای که تحت شرایط فضای خفه‌ی آن روزگاران، ناچار به کناره‌گیری و استعفاء شده‌اند، تأسف خود را اعلام می‌کند و از آنها پوزش می‌خواهد.

۳- گنگره آن دسته از رفقای که برای سوسیالیسم و آزادی‌پیکار می‌کنند و خود را در چهارچوب عمومی سازمان ارزیابی می‌کنند و وجود رژیم جمهوری اسلامی را مانع مقدم می‌دانند و برای براندازی آن تلاش می‌کنند، دعوت می‌نماید تا به تشکیلات خودشان، به صفوف رزمنده سازمان پیوندند.